



NOTTINGHAM
TRENT UNIVERSITY



New Migrants in the North East Work Force

"مهاجران جدید" در نیروی کار شمال شرق: خلاصه ای از یافته ها

گزارش فوق نتایج تحقیقاتی است که طی سالهای ۲۰۱۳-۲۰۱۵ در شمال شرق انگلستان صورت گرفته است. این نتایج از طریق تکمیل پرسشنامه هایی توسط ۴۰۲ مهاجر، انجام مصاحبه های همه جانبه با ۴۰ مهاجر و ۱۲ نفر از ذینفعان عمده منطقه بدست آمده اند. پاسخ به پرسشنامه ها عمدتاً با حمایت از سازمانهای مختلف بصورت حضوری، سرزدن به محلهای اجتماع، مراجعه به سازمانهای حامی مهاجران و محلهای کار آنان در بیشتر شهرها و نقاط مسکونی منطقه جمع آوری شده اند. همچنین از پاسخ دهندگان خواسته شد نسخه هایی از پرسشنامه را در اختیار دیگر دوستان و اعضای فامیل مهاجر خود قرار دهند تا بدین وسیله پرسشنامه ها بدست کسانی که دسترسی به این گونه خدمات را ندارند نیز برسند.

شروع اولیه این تحقیقات با تمرکز بر روی پناهندگان وارد شده بعد از اجرای سیاست پراگندگی جمعیت در سال ۱۹۹۹ و گارگران مهاجر شرق اروپا که در سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷ به اتحادیه اروپا ملحق شده اند آغاز گردید. ولی عملاً زمانی که به محل اجتماعی که انتظار دیدار این گروهها را داشتیم مراجعه نمودیم با گروههای بسیار متنوع تری مواجه شدیم. شرکت کنندگان در این تحقیقات از ۵۹ کشور مختلف بوده که طیف گسترده ای از مسیرهای مهاجرتی را تشکیل می دهند. مهاجران رومانی با ۱۵٪، سودان با ۱۲٪، لهستان با ۱۱٪، و بنگلادش با ۷٪ بالاترین در صد را بخود اختصاص می دهند. در مواردی تمرکز تحقیقات بر روی گروهی خاص قرار می گیرد، ولی تنوع فوق العاده مهاجران عاملی بود برای نگرش به کلیه گروههای مهاجر.

مهمترین نتایج بدست آمده نکات زیر را شامل می گردند:

- ۵۴٪ از پاسخ دهندگان دارای اجازه کار اظهار داشتند که در سال گذشته فاقد هرگونه شغل دستمزدی یا آزاد بوده اند. این رقم برای پناه هندگان پذیرفته شده در همین مدت به ۶۵٪ افزایش می یابد. این در حالی است که ۳۲٪ از جمعیت گروه سنی ۱۶-۶۴ سال ساکن شمال شرق انگلستان طی سالهای ۲۰۱۴-۲۰۱۵ فاقد هرگونه شغل دستمزدی بوده اند.
- ۸۹٪ از کسانی که در حال حاضر فاقد شغل می باشند علاقه مند یافتن کار دستمزدی بوده و آنهایی که عدم علاقه خود را در این زمینه نشان داده اند دلایلی چون مسئولیت مراقبت از افراد خانواده، تحصیل تمام وقت و مشکلات جسمی را عنوان نموده اند.
- پاسخ دهندگان شاغل بطور نامتعادلی در کارهای کم مهارتی چون تهیه مواد غذایی، پذیرایی، تولید و خدمات اجتماعی متمرکز می باشند. آژانسهای کاریابی و روابط خانوادگی رل بسیار مهمی در هدایت افراد به سمت این مشاغل خاص ایفا می نمایند.
- ۲۳٪ از پاسخ دهندگان که ۱۱٪ کل نیروی کارنیوکاسل را تشکیل می دهند دارای مشاغل آزاد در انگلستان می باشند و از کل جمعیت شاغل دستمزدی ۵۷٪ ابراز علاقه به داشتن مشاغل آزاد را نموده اند.

- دستمزد پایین در کلیه نمونه های تحقیق شده دیده می شود. ۴۰٪ از مشاغل کمتر از ۶ پوند و ۵۰ پنس در ساعت درآمد داشته و فقط در ۱۵٪ از مشاغل این مبلغ به ۱۰ پوند یا بیشتر می رسد. در ۷۳٪ از مشاغل مبلغ ساعت کار زیر حد تعیین شده ۷ پوند و ۸۵ پنس برای سال ۲۰۱۵ بوده است. در مجموع متوسط دستمزد ساعتی پرداخت شده ۶ پوند و ۵۰ پنس در مقایسه با متوسط دستمزد ۱۰ پوند در ساعت در کل منطقه بوده است.
- ۲۲٪ از پاسخ دهندگان اظهار داشتند که در خواست آنان برای دریافت کمکهای رفاهی دولتی پذیرفته نشده، ۳۳٪ اعلام تاخیر در دریافت این کمک هزینه ها را نموده و ۲۰٪ احساس نموده اند که توسط کارکنان رفاه اجتماعی مورد تبعیض قرار گرفته اند.
- داده ها نشانگر ارتباطی متقابل میان میزان تسلط به زبان انگلیسی و نوع اشتغال هستند. این در حالی است که اشتغال بکار عاملی برای پیشرفت زبان انگلیسی و بالا بردن اعتماد بنفس بوده و متقلاً تسلط بزبان انگلیسی راهی برای اشتغال و یا دستیابی به مشاغل مورد نظر. در پاسخهای داده شده پایین بودن اعتماد بنفس و درک نیاز به بهبود زبان انگلیسی برای افزایش شانس اشتغال کاملاً مشهود است و در آنها شواهد روشنی از تعهد در تحقق به این هدف بچشم می خورد.
- وضعیت مهاجرتی برای کسانی که فاقد اجازه کار بودند مانع اصلی اشتغال بوده و در موارد دیگر نیز تاثیر غیر مستقیم داشته است. برای مثال اجازه اقامت محدود منجر به محدودیتهایی در زمینه دستیابی به دوره های آموزشی و استفاده از وامهای دانشجویی و برنامه ریزی برای آینده، و در نتیجه از دست دادن اعتماد بنفس و مهارتهای مورد نیاز گردیده است.
- مشکلات معادل سازی و برسمیت شناختن مدارک، مهارتها و تجارب بدست آمده در خارج از انگلستان بعنوان مانع اصلی و مکرر برای دستیابی مهاجران بکار پیشنهاد شده است. علاوه برآن مشکلات گزارش شده دسترسی به آموزش و تحصیل در انگلستان می باشد.
- عدم وجود امکانات شغلی کافی خصوصاً در مشاغل پردرآمد و با مهارت مشخصه مشهود این منطقه است ولی این امر در کنار عوامل دیگر بطریقی خاص در مورد مهاجران و گروههای مختلفی از آنان خودنمایی می کند.
- نگهداری از کودکان یکی از کمهای موثر در حفظ مشاغل در کلیه گروهها است خصوصاً در خانواده های تک والدی محروم از حمایتهای شبکه فامیلی که آنها را مجبور به پذیرش مسئولیتهای چند جانبه نموده و عدم وجود شبکه روابط اجتماعی امکان نگهداری از اطفال را بطور غیر رسمی از آنها گرفته است.
- بنظر نمی رسد که تبعیض مانعی برای دستیابی به کار بوده باشد ولی به حد قابل توجهی از آن در محل کار اشاره شده است. تبعیض در برخی از موارد از طرف کارفرمایان و در برخی دیگر از سوی همکاران و یا افراد عمومی اعمال گردیده است. با این وجود پاسخ دهندگان از محل کار خود بعنوان جایگاه مهمی از حمایت، همبستگی و فرصتی برای ادغام اجتماعی نیز یاد کرده اند.
- موارد دیگری که پاسخ دهندگان از آنها بعنوان موانع و محدودیتها نام برده اند شامل اعتماد به نفس بطور کلی، سلامت روحی و روانی، فاصله زمانی میان تجارب کاری، هزینه های لازم برای راه اندازی شغل و عدم وجود شبکه های ارتباط اجتماعی می گردد.
- پاسخ دهندگان در مقابله با موانع دستیابی به مشاغل و یا مشکلات موجود در محل کار عمدتاً

راهبردهای فردی خویش را اعمال می نمایند و استفاده از همفکریهای گروهی در این مورد بندرت دیده می شود. فقط ۱۱٪ از گزارشات متعلق به یک اتحادیه صنفی در انگلستان در مقایسه با ۳۳٪ از کل شاغلان ساکن در شمال شرقی می باشد. با این حال مصاحبه های عمده انجام شده، نمونه های مشخصی از سازمانهای خیریه فعال را شناسایی نموده که بنوعی نقش اتحادیه صنفی را در این مورد بازی می کنند.

- ۵۴٪ از شرکت کنندگان در این تحقیقات اظهار بی اطلاعی از وجود سازمانهایی نموده اند که می توانند راهنماییهای لازم را در زمینه اشتغال و یا خود اشتغالی در اختیار آنان قرار دهند. این رقم برای مهاجران ده کشور اتحادیه اروپای شرقی با ۶۵٪ بالاترین حد را بخود اختصاص داده است.

بمنظور آشنایی با سیاستها، کاربرد و آموزش، این یافته ها با ذینفعان اصلی و عموم به اشتراک گذاشته شده است.

گزارش مفصل تری از یافته ها و نتایج این پروژه به زبان انگلیسی را می توانید از طریق ایمیل زیر دریافت نمایید.
tom.vickers@ntu.ac.uk